نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

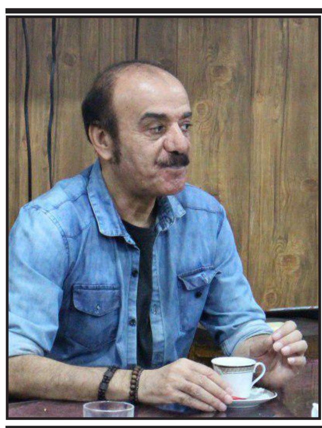
سال بیست و چهارم - شماره ۹۵۲ سه شنبه هفدهم فروردین ۱۴۰۰ - ۱۰۰۰ تومان



دکتر سالاری خبر داد:

برابری درصد افزایش حقوق بازنشستگان تامین‌اجتماعی با بازنشستگان کشوری

صفحه ۲



تازه‌ترین اثر احمد آرام؛ «به چشم‌های هم خیره شده بودیم»

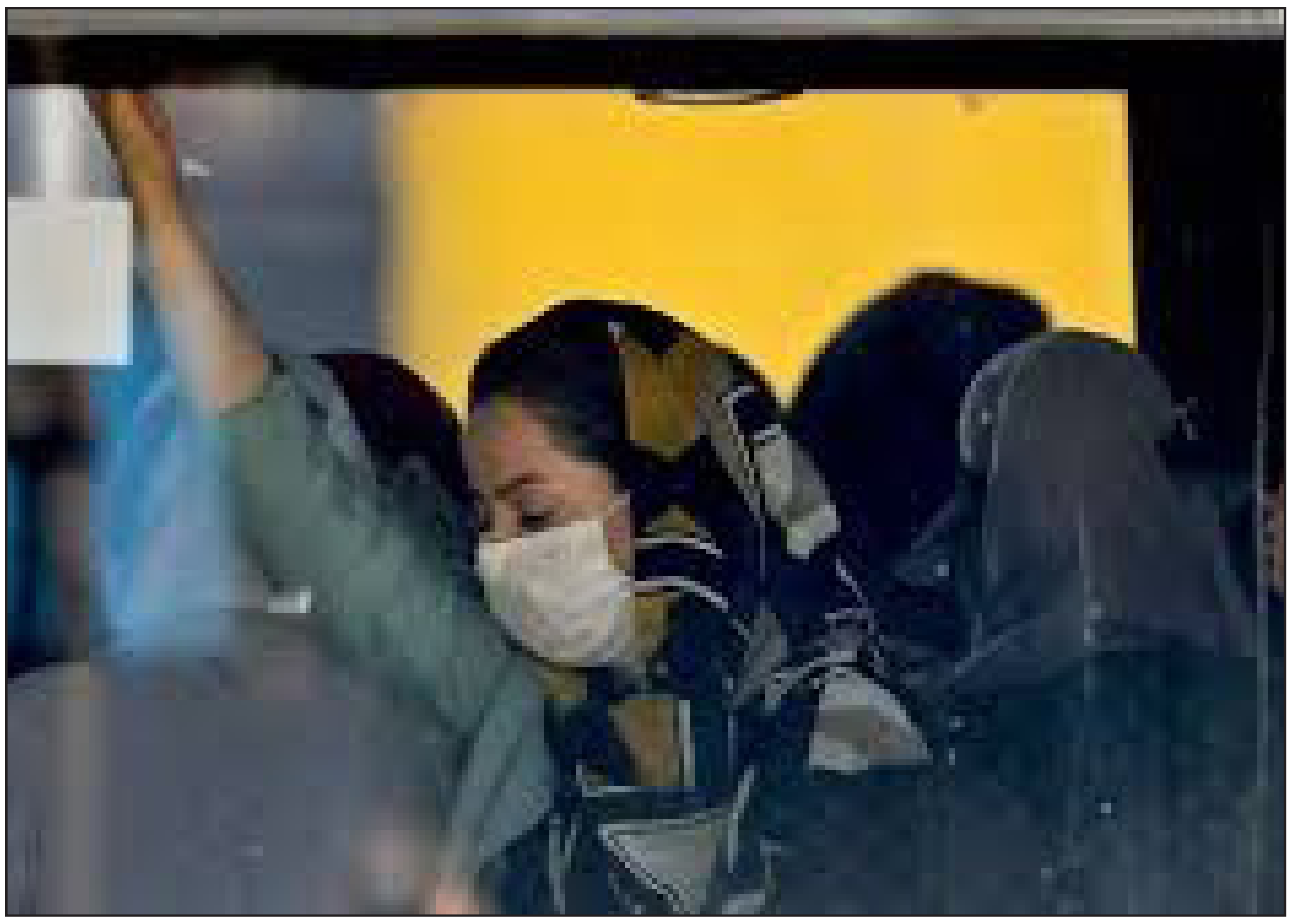
اهل درد بودن یعنی اهل نوشتن بودن

صفحه ۳

موج سواری کرونا با جامعه ایران؛ مگر کرونا خودش برود

دکتر سجاد بهزادی

صفحه۴



۲



چرا جمعیت امام علی میتوانست الگوی موفقی باشد؟

دکتر عبدالرسول هاشمی

۳

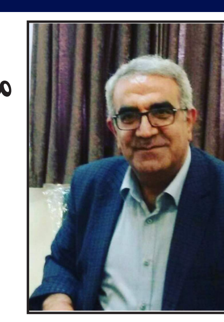


خاطرات شادروان عبدالرسول جمالی تنگستانی

ذکر خیر مهندس زند فرماندار بوشهر

به کوشش محمد علی بختیاری

٤



مراقب آینده کودکان باشیم

دکتر سعید معدنی

٤



مراقب هوچیگران و غوغاسالاران باشیم!

دکتر عابدین عابدی‌زاده

سلامی و کلامی...

به دنبال فرصتی برای نفس کشیدن

یونس قیصی زاده



سال ۱۴۰۰ هم شروع شد و بیم های و امیدهای سال های قبل به این سال منتقل شد تا سالی پرمخاطره را پیش روی ایرانیان بگذارد.

سردرگمی مدیریتی کرونا در تعطیلات نوروزی و عدم توجه به هشدارهای دلسوزانه کارشناسان بهداشتی و درمانی، استان بوشهر و کشور را وارد فاز جدیدی از افزایش کرونا کرده و ترس و وحشت را تا درون خانه ها کشانده است، در این شرایط که خبری از واکسن عمومی مردم نیست و نگرانی مردم از بی توجهی به تامین واکسن مورد نیاز کشور، شدت گرفته، راهی در مقابل نمانده جز این که مردم بفکر خودشان باشند و پروتکل های بهداشتی را با جدیت بیشتری رعایت کنند، تا به سلامت از این موج نیز بگذریم و ببینیم تا بعد چه می شود و آیا بالاخره شاهد فراگیری واکسن کرونا در ایران هم خواهیم بود یا خیر.

از طرفی چشم انتظار به سرانجام رسیدن احیای برجام و به دنبال آن گشایش اقتصادی و نفس کشیدن غالب مردم در زیر بار این گرانی و تورم لجام گسیخته هستیم تا بلکه بعد از مدتها حداقل از نظر اقتصادی، آرامش نسبی برقرار شود و فرصتی دست یابد تا به بازسازی خرابی ها و ویرانی های ناشی از تحریم بپردازیم.

امید است فرصت پیش آمده در ترمیم روابط خارجی و منطقه ای را مغتنم بشمارند و برای رفع مشکلات مردم وکشور قدم های اساسی بردانند.

زندانی شدن مدیر کانال بینامدیا در بوشهر



به دنبال شکایت مهرداد ستوده معاون عمرانی استانداری بوشهر از امیر عباس دهباشی نژاد بوشهری مدیر کانال بینامدیا، به دلیل آن چه تهمت و افترا در خصوص حوزه معاونت عمرانی استانداری بوشهر خوانده شده است، حکم ۲۱ ماه زندان و ۳۰ ضربه شلاق برای وی صادر و قبل از تعطیلان نوروز، حکم بازداشت وی با حکم قضایی صادر شد.

به دنبال آن، اعتراضاتی در فضای مجازی رخ داد و نامه ای نیز به امضای جمعی از روزنامه نگاران و شهروندان خطاب به رئیس جمهور نوشته شد که خواستار آزادی دهباشی شده بودند.

در همین زمینه گفته می شود که ستوده تقاضای ابراز ندامت دهباشی بابت درج مطالب در کانال بینامدیا علیه خود، که منجر به صدور این حکم شده است، داشته و رضایت خود را منوط به ابراز این ندامت کرده است.

از طرف تعدادی از روزنامه نگاران و فعالان اجتماعی و مسئولان نیز تلاش هایی برای حل این موضوع و رفع اختلاف بین طرفین در حال انجام است که تاکنون به نتیجه نرسیده است.

امیدواریم که به زودی شاهد رفع این اختلاف و آزادی دهباشی از زندان باشیم.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر:

ابتلا به کرونا در استان بوشهر به شکل انفجاری است



رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان بوشهر گفت: تاکنون چندین روستا در سراسر استان بوشهر درگیر بیماری کووید ۱۹ شده‌اند.

دکتر سعید کشمیری اظهار داشت: در کشور شاهد افزایش تعداد مبتلایان به بیماری کرونا بوده‌ایم. دکتر کشمیری به تشریح اپیدمی بیماری کرونا و خیز موج چهارم بیماری کرونا در استان بوشهر پرداخت و بیان کرد: با توجه به جاذبه گردشگری استان بوشهر با تمهیدات انجام شده در تعطیلات نوروزی در استان نسبت به سال‌های قبل ۳۵ درصد کاهش تردد وجود داشته است.

وی افزود: قبل از تعطیلات نوروز با ایجاد محدودیت شبانه و همچنین بسته شدن مسیرهای ورود و خروج استان در آخر هفته توانستیم پیک ایجاد شده کنونی را ۳ ماه به تعویق بیاندازیم و در برابر این بیماری مقاومت کنیم.

دکتر کشمیری با اشاره به همه گیری روستاهای کوچک استان بوشهر اظهار کرد: تاکنون چندین روستا در سراسر استان درگیر بیماری کووید ۱۹ شده‌اند. وی تصریح کرد: ۱۵ نفر در شهرستان دشتی و ۳۰ نفر در شهرستان عسلویه با شرکت در مراسم فاتحه به این بیماری مبتلا شده‌اند.

وی بابیان این که اکنون نحوه ابتلا در استان به شکل انفجاری هست، گفت: یک فرد مبتلا اگر در فضایی سربسته قرار گیرد می‌تواند تمامی افرادی که در آن مکان هستند را درگیر بیماری کند. دبیر ستاد مقابله با کرونا در استان بوشهر افزود: شهرستان‌های نارنجی استان بوشهر باید بیشتر رعایت کرده تا به وضعیت قرمز تغییر رنگ ندهند، همچنین در شهرستان بوشهر با وضعیت قرمزی که دارد، شاهد پر شدن تخت‌های بیمارستان‌ها هستیم.

دکتر کشمیری افزود: در این شرایط خطر و اپیدمی موج چهارم، بیمارستان شهدای هسته‌ای وارد چرخه کارشده و پذیرای بیماران مبتلا به ویروس کرونا است که این مرکز به عنوان پشتیبان بوده و بخش کرونایی بیمارستان شهدای خلیج‌فارس را شامل می‌شود که به تدریج این مرکز به بیمارستان معین بیماران کرونای در شهرستان تبدیل خواهد شد.

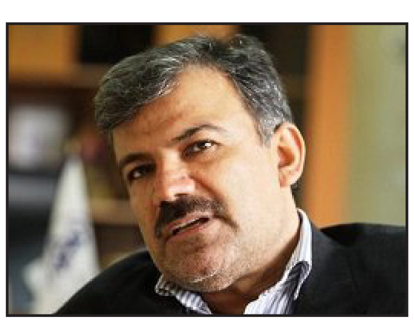
وی در مورد بیمارستان شهدای هسته‌ای بوشهر خاطرنشان کرد: این مرکز دارای تخت‌های فراوان، اتاق‌های جراحی، دستگاه اکسیژن ساز، سی‌تی‌اسکن اختصاصی و اتاق‌های ICU متعدد است که در این شرایط برای ما دلگرم‌کننده بوده و نقطه قوت استان در کنترل این اپیدمی محسوب می‌شود.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان بوشهر گفت: مهم‌ترین کاری که در اپیدمی باید انجام شود پیشگیری بوده چون از هر ۱۰۰ نفر افرادی که مبتلا شده، ۸۰ نفر از آنها بدون علامت هستند و ۲۰ نفر به مراکز درمانی مراجعه کرده و از این تعداد ۵ نفر به بخش مراقبت‌های ویژه رفته و از این افراد ۲ نفر ممکن است، فوت کنند. دکتر کشمیری اظهار کرد: با توجه به قرمز بودن استان در تلاش هستیم که با محدودیت‌های ایجادشده، تعداد افراد مبتلا، تجمع و حلقه تماس افراد را کاهش دهیم. وی با اشاره به تحریم‌های جهانی و مشکلات خرید واکسن افزود: تا واکسینه و ایمن شدن کل کشور باید همه اقدامات پیشگیرانه را رعایت کنیم.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان بوشهر بیان کرد: وقتی مشکل بروز می کند که تعداد بیماران بیشتر از امکانات بیمارستان باشد و وارد مرحله خطر و بحران می‌شویم.

رئیس دانشگاه خلیج فارس:

۱۱٦ مقاله علمی بین المللی در دانشگاه خلیج فارس تولید شد



رئیس دانشگاه خلیج فارس گفت: حرکت این دانشگاه به سمت تعامل با جامعه علمی جهان در سال ۹۹ نیز ادامه داشت و در این سال ۱۱۶ مقاله مشترک با همکاران بین‌المللی تولید شده‌است.

عبدالمجید مصلح افزود: نسبت مقالات مشترک دانشجویان و استادان دانشگاه خلیج فارس با همکاران بین‌المللی در سال ۹۹ به کل مقاله‌های منتشر شده در این دانشگاه ۳۷.۵ درصد است.

وی عنوان کرد: بیشترین همکاری استادان و دانشجویان دانشگاه خلیج فارس درتهیه مقاله‌های علمی در سال گذشته با کشور ایتالیا با نگارش ۱۸ مقاله مشترک بوده‌است.

رئیس دانشگاه خلیج فارس ادامه داد: همچنین در سال تحصیلی ۹۹، ۸۲ دانشجوی خارجی تحصیل خود را در دانشگاه خلیج فارس آغاز کردند و هم اکنون ۱.۵ درصد از دانشجویان این دانشگاه خارجی هستند.مصلح در ارتباط با فعالیت پژوهشی این دانشگاه گفت: در سال گذشته ۳۱۰ مقاله از دانشجویان و استادان این دانشگاه در مجلات معتبر بین‌المللی به چاپ رسیده‌است و قراردادهای علمی و پژوهشی متعددی نیز با بخش خصوصی و دولتی منعقد کرده‌است.

وی اعلام کرد: در سال ۹۹، ۶۷ قرارداد همکاری علمی و پژوهشی در زمینه‌های مسائل دریایی و زیست محیطی منطقه، نفت، آب و برق، هوشمندسازی، کشاورزی، گردشگری و خدمات آزمایشگاهی میان دانشگاه خلیج فارس و ادارات و سازمان‌های دولتی و خصوصی، سایر دانشگاه‌ها، معاونت علمی ریاست جمهوری، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بنیاد نخبگان بوشهر منعقد شده است.

رئیس دانشگاه خلیج فارس با اشاره به حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویان گفت: در این زمینه می‌توان به حمایت پایانه‌هایی برای تولید سوخت زیستی از جلبک‌های بومی خلیج فارس با استفاده از روش مایع‌سازی هیدروترمال، ساخت سلول‌های خورشیدی حساس شده با رنگدانه‌های استخراج شده از گیاهان بومی حوزه خلیج فارس بر پایه نانوالیاف الکتروریسی شده و ساخت و تجاری سازی دوچرخه دریایی اشاره کرد. رئیس دانشگاه خلیج فارس عنوان کرد: آزمایشگاه‌های نانو فناوری با اعتبار ۱۱ میلیارد ریال، آنالیز دستگاهی با اعتبار ۳۵ میلیارد ریال و مرکز محاسبات سریع با اعتبار ۲۵ میلیارد ریال در زمستان ۱۳۹۹ به بهره‌برداری رسیدند.

وی گفت: مجموع فضای کالبدی دانشگاه خلیج فارس ۱۵۴ هزار و ۳۷۸ مترمربع است و پیش‌بینی می‌شود دانشکده سیستم‌های هوشمند و علوم داده با مساحت ۱۰ هزار متر مربع و اعتبار ۴۷۱ میلیارد ریال در سال ۱۴۰۰ افتتاح و به بهره‌برداری برسد.

وی یادآور شد: فضای کالبدی این دانشگاه در دولت یازدهم و دوازدهم ۴۹ درصد رشد داشته است که یک سوم کل این فضا را شامل می‌شود و ظرفیت خوابگاهی آن نیز در زمان حاضر سه هزار و ۱۰۰ دانشجو است که ۵۰ درصد آن در هشت سال گذشته احداث شده‌است.

نسیم جنوب
خبر
شماره ۹۵۲ سه شنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۰
NASIM JANOUB

وضعیت بسیار نگران کننده استان بوشهر /ضرورت تغییر در باور و رفتار تک‌تک مردم و مسئولین

معاون استاندار بوشهر گفت: در حال حاضر بوشهر دچار شرایط قرمز جنگ کرونایی شده، وضعیت کنونی استان بوشهر ناگوار و بسیار نگران‌کننده است که خروج از آن نیازمند اقدام فوری و جدی است.

به گزارش ایسنا، محمدتقی ایرانی در نشست ستاد مقابله با کرونا شهرستان بوشهر اظهار کرد: کادر درمانی بیمارستان‌های استان بوشهر در خط مقدم جنگ با ویروس کرونا هستند و رسالت و تعهد سنگینی در قبال سلامت جامعه به عهده دارند که در این راستا سلامتی خود را نیز در کف اخلاص گذاشته‌اند. ایرانی خاطرنشان کرد: صدای آژیر قرمز در دوران دفاع مقدس که به صدا درمی‌آمد، معنی و مفهوم آن این بود که حمله هوایی انجام خواهد شد به پناهگاه‌ها بروید، در حال حاضر بوشهر دچار شرایط قرمز جنگ کرونایی شده است.

وی تصریح کرد: شرایط جنگی نیازمند نوع رفتار و برخورد در آن شرایط است، وضعیت جنگی، آرایش جنگی هم می‌خواهد، طبیعتاً در شرایط کرونایی، برخی سخت‌گیری‌ها باید اعمال شود. وضعیت کنونی استان بوشهر ناگوار و بسیار نگران‌کننده است که خروج از این وضعیت نیازمند اقدام فوری و جدی است.

این مسئول با بیان اینکه امروز شهرستان بوشهر در وضعیت قرمز است و این ویروس آماده ورود به خانه و بدن ماست، افزود: بهبود وضعیت نیازمند همراهی و همکاری اقشار مختلف مردم در زمینه رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی و فاصله‌گذاری‌های اجتماعی و رعایت دقیق محدودیت‌های کرونایی است. با توجه به سرعت بالای انتشار ویروس کرونا هر فرد باید خودش مواظب باشد که به ویروس کرونا مبتلا نشود و فردی که مبتلا شده است نیز باید مواظب سایر افراد جامعه باشد تا مبتلا نشوند.

معاون استاندار بوشهر با بیان اینکه یک نفر در جامعه نباید با جان جامعه بازی کند، اضافه کرد: در این جنگ تمام‌عیار سلامتی مهم‌ترین خواسته جامعه است بنابراین نباید برخی افراد با سهل‌انگاری موجب ابتلای جامعه شوند. در چنین شرایطی راه‌حل اصلی، تغییر در باور و رفتار تک‌تک مردم و مسئولین است، ما در یک جنگ تمام‌عیار با کرونا هستیم و شرط اصلی چیره شدن بر بیماری و حل این چالش ملی و جهانی، تغییر در باور و رفتار تک‌تک مردم و مسئولین است.

وی در خصوص تهیه واکسن گفت: مسئولین تمام تلاش خود را برای تهیه و تولید واکسن به کار بسته‌اند ولی باید توجه داشت که در تحریم هستیم و این شرایط را برای مقابله با ویروس کرونا سخت‌تر کرده است.

هنرمند بوشهری، مدیر روابط عمومی محیط زیست شد



سعید نوذری هنرمند بوشهری به عنوان سرپرست روابط عمومی اداره کل حفاظت از محیط زیست استان بوشهر منصوب شد.

به گزارش نسیم جنوب، فرهاد قلی نژاد مدیرکل حفاظت محیط زیست استان بوشهر، طی حکمی سعید نوذری مجری و برنامه ساز شبکه استانی بوشهر را به عنوان سرپرست روابط عمومی اداره کل حفاظت محیط زیست استان بوشهر منصوب کرد.

سعید نوذری از سال ۸۹ کارمند اداره کل حفاظت محیط استان بوشهر است که قبل از این به عنوان محیط بان ، کارشناس روابط عمومی و کارشناس آموزش در این اداره کل به انجام وظیفه مشغول است.

وی سالهاست که با برنامه های متعدد رادیو و تلویزیون از جمله برنامه "شونشینی" میهمان خانه های بوشهری هاست.در کارنامه فرهنگی و هنری وی، نویسندگی رادیو و تلویزیون اجرا و گویندگی، برنامه سازی، تدریس فنون بیان در حوزه رسانه، تدریس دروس مرتبط با ارتباطات، روابط عمومی مدرن، و آموزش مسائل زیست محیطی ... دیده می شود. نوذری دارای مدرک کارشناسی روابط عمومی و دانش آموخته ی سطح ارشد مدیریت دانشگاه تهران است.

استاندار:

اساسی‌ترین مشکل در استان بوشهر تامین آب است



ایسنا/بوشهر استاندار بوشهر گفت: اساسی ترین مشکل در استان تامین آب است و مدیران مربوطه نگاه ویژه ای به مسائل و مشکلات آب در استان داشته باشند.

عبدالکریم گراوند در نشست شورای آب استان بوشهر اظهار کرد: با توجه به اهمیت موضوع تامین آب، نشست های بررسی مسائل و مشکلات حوزه آب استان به صورت هفتگی برگزار و مسائل و مشکلات بخش های مختلف آب مورد بررسی قرار می گیرد.

.

استاندار بوشهر با اشاره به قطع انشعابات غیرمجاز در استان تصریح کرد: فرمانداران استان موضوع قطع انشعابات غیرمجاز را با جدیت پیگیری و اجرایی کرده و در این زمینه با هیچ کس تعارف نکنند.

گراوند افزود: مدیریت مصرف آب برای جلوگیری از بحران آب در استان به ویژه در تابستان پیش رو ضروری است و همه دستگاه های اجرایی باید در مورد مدیریت مصرف آب اقدام کنند.

وی با اشاره به پروژه خط انتقال آب از آب شیرین کن ۱۷ هزار متر مکعبی بوشهر به سایر مخازن یادآور شد: شهرداری بوشهر برای تسریع در اجرای این پروژه اقدام و نسبت به رفع موانع موجود اقدام کند.

استاندار بوشهر با تاکید بر حل مشکل برق برای پروژه های آب شیرین کن در استان اضافه کرد: اساسی ترین مشکل در استان تامین آب است و مدیران مربوطه نگاه ویژه ای به مسائل و مشکلات آب در استان داشته باشند.

دکتر سالاری خبر داد:

برابری درصد افزایش حقوق بازنشستگان تامین‌اجتماعی با بازنشستگان کشوری



مدیرعامل سازمان تامین‌اجتماعی اعلام کرد: با اجرای مرحله دوم متناسب‌سازی، درصد افزایش حقوق بازنشستگان تامین‌اجتماعی با بازنشستگان کشوری برابر شد.

مصطفی سالاری در نشست خبری امروز اظهار کرد: با اجرای مرحله دوم متناسب‌سازی، درصد افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی با بازنشستگان کشوری برابر شد.

وی با بیان این که خواسته ۱۲ ساله مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی محقق شده است، بیان داشت: از سال ۱۳۹۸ برنامه‌ریزی‌هایی برای تحقق این امر صورت گرفت و مدیریت سازمان با حمایت‌های وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دولت، سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان مجلس، متناسب‌سازی را به سرانجام رساند.

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی با بیان این که شرایط اقتصادی و ضرورت افزایش حقوق بازنشستگان، انجام متناسب‌سازی را ضروری کرده بود، افزود: از اسفند ماه سال ۱۳۹۸ تا فروردین ماه امسال پس از پیگیری های فراوان دو مرحله متناسب‌سازی انجام شد، که با احتساب افزایش‌های سنواتی ماده ۹۶ مجموعا منجر به افزایش ۱۳۰ درصدی حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی شده است.

وی تاکید کرد: در حال حاضر و به دنبال ایجاد این شرایط، دیگر تفاوتی میان درصد افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی و درصد افزایش بازنشستگان کشوری و لشکری ناشی از همسان‌سازی و متناسب‌سازی وجود ندارد.

سالاری با بیان این که احکام مورد نظر در این زمینه از پس‌فردا صادر می‌شود، افزود: در اسفند ۹۸ آن چه صندوق بازنشستگی کشوری می پرداخت نسبت به فروردین ۱۴۰۰ حدود بیش از ۱۳۰ درصد افزایش یافته است. ما تلاش کردیم مشابه آنها افزایشی داشته باشیم و عدالتی برقرار شود.

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی با بیان اینکه نسبت به فروردین ۹۸ مجموع پرداختی ما به بازنشستگان ۶۸۰۰ میلیارد تومان بود که به بیش از ۱۵ هزار میلیارد تومان می رسد، گفت: همان حدود ۱۳۰ درصد افزایش را ما هم اعمال خواهیم کرد.

سالاری بیان داشت: با اجرای متناسب سازی مرحله دوم ذیل ۵ عنوان پرداختی، حقوق یک بازنشسته حداقلی بگیر سازمان با ۳۰ سال سابقه کار و عائله مندی با دو فرزند از اسفندماه ۱۳۹۸ تا فروردین ۱۴۰۰ دو میلیون و ششصد هزار تومان افزایش یافته و از یک میلیون و ششصد هزار تومان به چهار میلیون و دویست هزار تومان افزایش می یابد.

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی ادامه داد: حقوق یک بازنشسته حداقلی بگیر با ۲۰ سال سابقه کار با عائله‌مندی و دو فرزند از اسفند ۹۸ یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان به سه میلیون و ۹۰۰ هزار تومان افزایش یافته است.

وی افزود: به طور کلی، حداقلی بگیری که ۳۰ سال خدمت کرده است و حقوقش یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان بوده است در فروردین جاری با احتساب یک همسر و دو فرزند حدود ۴ میلیون و ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان دریافت خواهد کرد؛ برای کسانی که کمتر از ۳۰ سال خدمت دارند حقوقشان به تناسب کاهش و برای کسانی که بیش از ۳۰ سال خدمت کرده اند این رقم مقداری بیشتر است.

شهردار بوشهر:

نیروهای شرکتی این شهرداری تبدیل وضعیت می‌شوند

شهردار بوشهر گفت: با پیگیری‌های انجام شده پس از سال‌ها مجوز تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی این شهرداری گرفته شده است.

به گزارش ایرنا، حسین صالحیان در جلسه علنی شورای شهر بوشهر افزود: این مجوز شامل ۱۰ درصد پست‌های اداری می‌شود و برای ۳۰ نفر نیز این فرصت فراهم خواهد شد.

وی بیان کرد: البته پیگیر این هستیم که رتبه شهرداری مرکز استان بوشهر از ۱۰ به ۱۱ ارتقا یابد تا مجوزهای بیشتری در زمینه تعیین وضعیت نیروی انسانی دریافت شود و برای این مهم فقط تفریغ بودجه نیاز است.

صالحیان با اشاره به تجهیز آرامستان جدید در جاده نیروگاه به سردخانه گفت: آمبولانس‌های جدید برای آرامستان پیش بینی شده و اجرای فضای سبز، روشنایی و لوله کشی آب آن به طول چند کیلومتر در دست اجراست.

شهردار بندر بوشهر ادامه داد: همچنین با فعال شدن اورژانس خدمات شهرداری در هفته‌های آینده تلاش می‌شود در سه شیفت کاری نیازهای کوچک و فوری مناطق در زمینه نگهداشت پروژه‌های شهری و خدمات مورد نیاز شهروندان اجرا شود.

صالحیان با بیان این که با وجود همه مطالبات پیمانکار تقاطع میدان مطهری (سردار سلیمانی) پرداخت شده است اما این پیمانکار از اوایل اسفند فعالیت خود را متوقف کرده‌است، گفت: پیشنهاد شده است که این پیمانکار مشمول ماده ۴۶ شود تا با خاتمه قرارداد، ضمانت نامه وی هم حبس می‌شود، از این رو انتظار می‌رود مجوز این موضوع را این هفته از شورای فنی استان دریافت کرده و به سراغ انتخاب پیمانکار جدید برویم.

وی در باره پروژه چرخ فلک پارک شغاب بوشهر گفت: با توجه به الحاقیه جدید این پروژه، پرداخت



بعدی به سازنده آن نیازمند ارائه تضمین‌های لازم است که قرار شده این هفته ضمانت‌ها را به امور پیمان ارائه کند تا روند پروژه تسریع شود.

شهردار بوشهر درباره تفاوت قیمت مناقصه پسماند قبل و بعد از تعطیلات نوروز گفت: در این مدت میزان تورم به ویژه در زمینه تعمیرات و ماشین آلات چند برابر شده است، از این رو شهرداران کلانشهرها به سمت تمدید قرارداد با پیمانکاران خود با درصدی افزایش منطقی رفته‌اند، اما پیمانکار پسماند بوشهر شرایط مناسبی نداشت که در پایان قرارداد ناچار شدیم او را کنار گذاشته و مناقصه برگزار کنیم اما از آن جا که شرکت کننده‌ای برای مناقصه نداشتیم، از اسفندماه جمع آوری زباله با استفاده از نیروهای شهرداری صورت گرفت.

وی بیان کرد: امیدواریم در مناقصه جدید که در این هفته پاکت‌های مربوط به آن بازگشایی می‌شود، پیمانکار توانمندی تعیین شود.

صالحیان درباره پرداخت نشدن حقوق برخی از کارگران شهرداری اظهار کرد: باید در پایان هر ماه ابتدا حقوق کارگران و سپس کارمندان پرداخت شود و در صورتی که گروهی حقوق خود را دریافت نکرده باشند، به صورت جدی پیگیری می‌شود و در صورت اثبات این امر، همکاران مالی و اداری توبیخ می‌شوند.

شهردار بوشهر درباره مشکل چاله‌های رها شده در سطح شهر گفت: ۲ گودال در سال گذشته پر شد، اما ۶ گودال دیگر مجوز دارند که آخرین وضعیت آنها را پیگیری و گزارش را ارائه می‌شود.

وی از تامین اعتبار استانی و ملی گذر سرتل به تنگک خبر داد و گفت: با پیگیری رئیس نیروگاه اتمی بوشهر و موافقت دکتر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی، اعتبار این پروژه مشخص شده‌است، اما برای جلوگیری از مواجه شدن با مالک جدید در حین اجرای پروژه و ایجاد مشکلات قانونی، از اداره ثبت املاک استعلام شد که پس از گذشت یک ماه با اظهار بی‌اطلاعی از این منطقه اعلام کردند که اطلاعاتی در این زمینه در کاداستر نیامده است. عملکرد اداره ثبت در این زمینه جای تعجب دارد و در زمان حاضر تحویل زمین این گذر به شهرداری با ورود دادستان مسیر قضایی خود را طی می‌کند.

چرا جمعیت امام علی میتوانست الگوی موفقی باشد؟

عبدالرسول هاشمی



چند سال پیش وقتی برای یک تحقیق دانشجویی خواستم به موسسه ای خیریه مراجعه کنم با یک جستجوی ساده اینترنتی اولین موردی که در صفحه اول گوگل پیدا شد وب سایت جمعیت امام علی بود. ابتدا تصوری که از موسسه خیریه با نام امام اول شیعیان برایم حاصل شد چیزی نبود جز موسسه ای مذهبی و دینی مانند بسیاری دیگر از موسسات و نهادهایی که در جامعه ایران بعد از انقلاب شکل گرفته است. با گرفتن معرفی نامه ای از طرف دانشگاه راهی یکی از مراکز جمعیت واقع در میدان انقلاب شدم. اتفاقا همزمان جلسه ای نیز برای معارفه فعالیتهای سازمان به اعضای جدید تشکیل شده بود. افراد حاضر شده در جلسه نیز عمدتا دانشجویان از رشته های مختلف فنی و مهندسی گرفته تا فارغ التحصیلان رشته های علوم انسانی بودند. هرچند کارم انجام نشد و با شروع محدودیت های کرونایی فعالیت های مراکز تقریبا تعطیل شده بود اما آن چه بیش از همه توجهم را جلب کرد، نوع فعالیت جمعیت بود. برخلاف تصور اولیه و معمول از یک موسسه خیریه که درخواست کمک های مالی و کالایی در مرکز فعالیت آن ها قرار دارد آن چه که مطرح می شد درخواست کمک های مادی نبود بلکه فعالیت هایی مانند آموزش و حمایت از کودکان کار و خیابانی، پیگیری مسائل و مشکلات درمان، اسکان، مشکلات حقوقی کودکان و زنان سرپرست خانوار و مواردی از این قبیل بود.

آن چه موجب عدم موفقیت سازمانهای خیریه در حوزه فقر زدایی است رویکردهای متداول آنها در نگاه مستمندپروری و اکتفا بر کمک های خیریه در قالب بسته های معیشتی و ارزاق به افراد و خانوارها است. هرچند این موارد هم لازم است اما کافی نیست و در نهایت مشکل فقر و محرومیت اجتماعی را برطرف نمی کند و در حکم مسکنی مقطعی است. آن چه تهیدستان و محرومان نیاز شدید به آن دارند خودباوری و توانایی درک اهمیت خود در جامعه است. آن ها از مناسبات اجتماعی که هر لحظه آن ها را به حاشیه می راند در رنجند. بسیاری از این افراد آگاهی لازم را برای احقاق حقوق خود ندارند. افزایش آگاهی و آموزش و مهارت برای زندگی در جامعه امروزی از ضروری ترین نیازهای آنان است و به قول معروف برای این که کسی را یک روز سیر کنید به او ماهی بدهید اما اگر قرار است برای همیشه ماهی داشته باشد، به او ماهیگیری یاد بدهید. حداقل بخشی از عملکرد جمعیت امام علی را باید در این راستا ارزیابی کرد.

دلیل دیگری که برای موفقیت این سازمان می توان ذکر کرد پل ارتباطی است که بین طبقات اجتماعی برقرار شد. این موسسه توانست با جریان سازی و نهادینه کردن کمک به نیازمندان در سطح کشور حرکتی جدید را آغاز کند رمز موفقیت جمعیت امام علی شاید همین وجه برقراری ارتباط بین اقشار متوسط و تحصیل کرده و دانشگاهی با افراد طبقات محروم و تهیدست باشد. افراد طبقات برخوردار به طور داوطلبانه وقت خود را برای کمک به نیازمندان و محرومین طبقات پایین دست جامعه اختصاص می دادند. در طول بیش از یک دهه تحقیقات دانشگاهی متعددی نیز با پشتیبانی معنوی جمعیت انجام شد. صرف نظر از کاستی ها و انتقادات که می تواند به هر موسسه و نهادی وارد کرد این تشکل حداقل در جذب اقشار تحصیل کرده و متوسط به فعالیت های خیریه موفق عمل کرد. در یک کلام می توان سرمایه اجتماعی را رمز موفقیت این سازمان دانست. سرمایه ای که در طول حدود دو دهه فعالیت این سازمان ایجاد شد و با انحلال این سازمان از بین رفت.

سرمایه اجتماعی از دیدگاه و صاحب نظران و محققان علوم اجتماعی رمز موفقیت هر سازمان است و جایگاه مهمی برای سلامتی و کارکرد مثبت نظام های اجتماعی ایفا می کند. رابرت پاتنام از صاحب نظران معروف علوم سیاسی معتقد به دو نوع سرمایه اجتماعی است ۱. سرمایه اجتماعی درون گروهی که موجب پیوستگی اعضای یک گروه می شود، مانند خانواده و گروه خویشاوندی و ۲. سرمایه اجتماعی ارتباطی و پل زننده که رابطه فرد را با ساختارهای کلان اجتماعی تحکیم می بخشد، مانند سازمانهای غیر دولتی، انجمن ها و موسسات داوطلبانه. گرچه هر دو نوع سرمایه اجتماعی برای کارکرد گروه و اجتماع مفید هستند اما در این میان آن چه بیشتر برای پیشرفت و توسعه هر جامعه اهمیت دارد، نوع دوم سرمایه اجتماعی است. این سرمایه همان دیدگاهی را منعکس می کند که توکویل از صاحب نظران علوم سیاسی برای دموکراسی در جامع آمریکا قایل بود. وجود و حضور این نوع سازمانها زمینه ساز فعالیت های جمعی و گروهی است و در بعدی وسیع تر مانع از اتمیزه شدن افراد و ظهور نظام های استبدادی می شود. بر این اساس راه دموکراسی از طریق سازمانهای داوطلبانه انجمن ها و موسسات غیر دولتی و داوطلبانه می گذرد. بنابر این در مواجهه با سازمانهایی که کاملن مطابق با معیارهای رسمی عمل نمی کنند با توجه به فواید و محاسن رویکرد مردم سالارانه اگر

خواهان رشد و پیشرفت و رهایی از فقر و فاصله طبقاتی هستیم لازم است زمینه حضور و فعالیت این سازمانها و انجمن های داوطلبانه در سطح جامعه فراهم شود هرچند تا تحقق جامعه ای مطلوب فاصله زیادی داریم.

اجتماعی
شماره ۹۵۲ سه شنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۰
NASIM JANOUB

تازه‌ترین اثر احمد آرام؛ «به چشم‌های هم خیره شده بودیم»

اهل درد بودن یعنی اهل نوشتن بودن

احمد آرام، داستان‌نویس و نویسنده نام آشنای بوشهری در آیین رونمایی از تازه‌ترین اثرش تاکید کرد: عاشق سبک سوررئال هستم؛ چرا که رویاها و کابوس‌های ما بخشی از وجود ما هستند. زمانی که آنها را وارد یک اثر هنری یا نوشتاری می کنیم، بخش تاریکی از تخیل ما دیده می‌شود.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر: وقتی نام ادبیات داستانی بوشهر بر زبان جاری می‌شود، خواه ناخواه نام صادق چوبک، منیرو روانی‌پور، احمد آرام، محمدرضا صفدری و... در ذهن جا خوش می‌کند؛ نویسندگانی که هرکدام به سهم خود نقش بی‌بدیلی را در تقویت بنیاد داستان‌نویسی کشور به‌ویژه جنوب ایفا کرده و می کنند.

در این میان، احمد آرام راه پرپیچ و خمی را در نویسندگی شروع کرد؛ هر چند وی هم‌راستای نویسندگی در هنرهایی چون نقاشی، گویندگی، کارگردانی تئاتر و نمایشنامه‌نویسی نام خود را تثبیت کرد؛ ولی عمده شهرت خود را مدیون نویسندگی‌اش است؛ چراکه با نوشتن از زیست‌بومش با عشق چهره‌ای جدید از خود به جامعه ادبی ارائه کرد و با نگاهی مدرن اقلیم و فرهنگ و اهالی جنوب را به تصویر کشید و می‌کشد. همین خصیصه به جذابیت آثارش افزوده و وی را به پرمخاطب‌ترین نویسنده حال حاضر جنوب کشور تبدیل کرده است.

باید اقرار کرد که آرام از زمره افرادی است که ذاتا نویسنده و خیلی خوب بلد است که چگونه آدم‌ها پیرامونی خود و قصه‌های تلخ و شیرین‌شان را با تخیل و پردازش رویاگونه به داستان‌های جذاب و خلاقانه درآورد. تعلیق داستان‌هایش به گیرایی قصه می‌افزاید و خوب می‌داند که چگونه توجه مخاطب را به رازهای مگوی قصه‌هایش جذب کند.

جادوی کلمات و سوژه‌پردازی خلاقانه‌اش امروز از وی نویسنده‌ای پیشتاز در خلق آثار سوررئال ساخته است. آرام با اشراف بر فرهنگ و ادبیات جنوب و روانکاوی جامعه پیرامونی خود داستان‌هایی رمزآلود و پرنشانه را پیش روی مخاطب قرار می‌دهد. وی با تبحر و به پشتوانه تخیل، تصاویری از جغرافیای جنوب ترسیم می کند که برای خواننده در عین تازگی، بسیار آشنا و ملموس است!

بی‌شک احمد آرام در دو سه دهه اخیر با نگارش و انتشار آثاری خواندنی و متکی بر اقلیم و فرهنگ جنوب سهم بسزایی را در پویایی ادبیات و فرهنگ این خطه ایفا کرده است. حتی در داستان‌هایی که در مکانی غیر از بوشهر آفریده شده‌اند، او سعی کرده به هر شکلی با یک اشاره به المان یا باوری، نام بوشهر را در ذهن مخاطب تداعی کند. این وفاداری آرام به جنوب نمایانگر دلبستگی‌اش به زادگاهش است.

«غریبه در بخار نمک» نخستین اثری است که آرام راهی بازار کتاب کرد و پس از آن آثار متعددی نظیر «مرده‌ای که حالش خوب است»، «کسی ما را به شام دعوت نمی‌کند»، «سگی در خانه یک آنارشیست دست دوم»، «همین حالا داشتم چیزی می‌گفتم»، «حلزون‌های پسر»، «بیدارنشدن در ساعت نمی‌دانم چند»، «باغ استخوان‌های نمور» و... را به بازار کتاب عرضه کرد. وی به‌تازگی مجموعه داستانی را به نام «به چشم‌های هم خیره شده بودیم» به همت نشر نیماژ راهی بازار کتاب کرده است که بمناسبت روز بزرگداشت بوشهر به همت «خانه کتاب» در آیینی با حضور برخی از دوستدارانش در بوشهر رونمایی شد.





احمد آرام در آغاز این آیین با اشاره به انتشار نخستین اثرش به درخواست منوچهر آتشی گفت: من از بچگی از طریق پدرم با دنیای داستان آشنا شدم. وی اشتراک کیهان بچه‌ها برایم گرفته بود و همین مساله موجب ترغیب من به مطالعه و خواندن داستان و کتاب‌های غیردرسی شد. آن زمان به شدت به خواندن و خریدن مجموعه‌داستان جیمزباند علاقه داشتم.

وی ادامه داد: هفده ساله بودم که به مجله فردوسی رفتم و از آن‌ها خواستم که داستانم را منتشر کنند؛ ولی آن‌ها به من گفتند داستانت را بردار و ببر. اینجا داستان نویسنده‌هایی چون احمد محمود و... منتشر می‌شود ولی من با شنیدن این جواب مایوس نشدم و گفتم من این داستان را در همین مجله خیلی زود چاپ می کنم و درست یک سال بعد این داستان در مجله فردوسی منتشر شد. بنابراین در نویسندگی باید پشتکار داشت.

نویسنده «مرده‌ای که حالش خوب است» افزود: در مدرسه هم معلمانی چون زنده‌یاد حسن برازجانی، محمدرضا نعمتی و... داشتیم که تازه‌های نشر و داستان‌های نویسندگان مطرح آن زمان مثل صادق چوبک و... را در اختیار ما می‌گذاشتند و من با تشویق‌های آن‌ها دائم داستان می‌نوشتم و با تحسین و تشویق آن‌ها روبه‌رو می‌شدم. طبیعتا این تشویق‌ها من را برای نویسنده‌شدن و باور آن دلگرم می کرد.

نویسنده «حلزون‌های پسر» در ادامه به اثر تازه منتشرشده‌اش (به چشم‌های هم خیره شده بودیم) اشاره و تصریح کرد: این اثر به‌دور از تکرار و توام با نگاهی تازه و نو نوشته شده است؛ چرا که تکرار موجب کسالت و خستگی خواننده می‌شود. در حقیقت مخاطب در این اثر به چشم راوی خیره و با او همراه می‌شود.

نویسنده «بیدار نشدن در ساعت نمی‌دانم چند» در ادامه در پاسخ به این پرسش مبنی بر این که یکی از مشخصه‌های شما در نویسندگی بومی‌نویسی است منتها به طریق مدرن؛ یعنی شما زیست‌بوم را مدرنیزه می کنید و به مخاطب تحویل می‌دهید. خودتان با این نظر موافق هستید، توضیح داد: دقیقا درست است، آن چیزی که ما در روایت‌ها، ضرب‌المثل‌ها و باورهای بومی در دنیای واقعی می‌شنویم، وقتی وارد جهان داستان می‌شود باید شکل نوینی از آن به مخاطب داده شود؛ چراکه این شکل نوین و مدرن به ماندگاری داستان کمک می کند و این که ما سویه‌هایی از باورهای بومی را کشف می کنیم. چنان چه به این مهم توجه نشود، باورهای مردمی نمی‌تواند کارکرد درستی داشته باشد و داستان را از درون به حرکت وادارد.

وی همچنین در خصوص این که در ادبیات داستانی به عنوان نویسنده پیشتاز در داستان‌های سوررئال شناخته می‌شود، گفت: البته منتقدان به این مساله اشاره کرده‌اند ولی خود من عاشق این سبک هستم؛ چراکه رویاها و کابوس‌های ما بخشی از وجود ما هستند، زمانی که آن ها را وارد یک اثر هنری یا نوشتاری می‌کنیم، بخش تاریکی از تخیل ما دیده می‌شود. در داستان‌های «به چشم‌های هم خیره شده بودیم» گاه سورئالیسم دیده می‌شود که در بافت داستان است. شما در این مجموعه به داستان «فانوس» نگاه کنید. توهم داستان با همین سبک ساخته می‌شود.

آرام در خصوص این که آیا در این مجموعه داستان هم اقلیم جنوب نمود پررنگی دارد، توضیح داد: ببینید در این اثر حتی در داستان‌هایی که ربطی به بوشهر نداشته است، باز فرهنگ بوشهر حضور دارد؛ برای مثال، در داستان «راگا» که لبریز از جادوست. این جادوی جغرافیای ماست که به ساختار داستان کمک کرده است. من به سهم خود کوشش می کنم که با هر داستان جغرافیای تازه‌ای بسازم که پشت و پَسله‌اش زبان و فرهنگ بوشهر است.

آرام در ادامه با تاکید بر این که همه شخصیت‌های این مجموعه خسته هستند، افزود: در حقیقت تکرار خسته‌شان کرده و بیهودگی آن ها را منزوی کرده است. هرکدام از شخصیت‌ها در دل داغی دارند. البته اگر نداشتند نمی‌توانستند وارد داستان بشوند!

وی در پاسخ به این پرسش که چرا برخی بر این باورند که شما نویسنده‌ای سخت‌نویس هستید، توضیح داد: خود من به این موضوع فکر نمی کنم؛ چون هر اتفاقی در داستان می‌افتد، زاده رفتار طبیعی نویسنده با طرح داستان است. اگر منظور پیچیدگی است، پیچیدگی باید در ذات نویسنده باشد. پیچیدگی تصنعی کار را ضایع می کند. مساله اصلی این است که مخاطب باید کوشش کند تا آثاری را که در آن اندیشه هست، باور کند، طبیعتا برای رسیدن به اندیشه در داستان باید تلاش کرد.

آرام در پایان تاکید کرد: اگر ما صدای درونی و درد درونی نداشته باشیم، بی‌شک نمی‌توانیم بنویسیم. اهل درد بودن یعنی اهل نوشتن بودن.

پرواز

نیره محمودی راد



مهماندار جایم را نشان داد. کیف دستی ام را در گنجه بالای صندلی گذاشتم و برای لحظه ای در صندلی فرو رفتم و نفس عمیق کشیدم. مسافران همه در تکاپو بودند.

از پنجره نگاهی به بیرون انداختم. هوا صاف و بی لک بود. اما با آن همه چند تکه ابر پنبه ای به گونه لکه های سفید یک پیراهن، آسمان آبی را گل دار کرده بود. چند دسته کبوتر بر سینه آسمان به پرواز در آمده بودند. فوج کبوترها و هوای سفر من را به یاد ترانه ای از روزگار نوجوانی انداخت و آن را زیر لب برای دل کولی وشم زمزمه کردم.

قسم به اون پرستو که بالشو شکستن!
به آهوی اسیری که دست و پاشو بستن!
به اون کبوتران که دور حرم نشستن!
نرو، نرو، نرو!!

چشم از آسمان برگرفته و با چفت کمربند ایمنی داشتم ور می رفتم که یکی گفت:

– سلام علیکم!

سر برگرداندم و به او پاسخ دادم. جوانی با قبای بلند سورمه ای ، عمامه ای سفید بر سر داشت.

درنگ کردم و به سلام او پاسخ دادم. لبخندی همه چهره روشنش را فرا گرفت. کیف کوچکی در دست داشت و چند کتاب را در آغوش می کشید. پس از آن که کیف و کتاب ها را در گنجه بالای سر گذاشت، با یک عذرخواهی کوتاه کنارم نشست.

سکوتی میان مان حکمفرما شد. بوی خوش گلاب قمصر می داد و این بو با بوی ادکلن فرانسوی "آرامیس" من در هم آمیخت. از پشت شیشه پنجره، کبوترها پر کشیده بودند و آسمان و ابرهای سمج ویلان دور و دورتر رفته و دیگر نگاه به آن، چنگی به دل نمی زد.

همسفر کمربندش را بست و زیر لب داشت چیزهایی برای خودش زمزمه می کرد. مهمانداری از بلندگو به مسافران خوش آمد گفت و توصیه های همیشگی سفر را از بلندگو پخش کرد. مهماندار دیگری که خانمی زیبا بود و لباس خوش ریختی به تن داشت میان راهرو هواپیما ایستاد و با نمایش و اشاره شلنگ تنفسی و ماسک را برای کمبود هوای اتفاقی درون نشان داد و این که چه طور پس از فرود اضطراری باید برای نجات از سُرسُره به بیرون هواپیما سُرید.

" خانم ها، آقایان !

هواپیمایی ملی ایران هما سفر خوشی را برایتان آرزو می کند. لطفا............"

هواپیما تا ۳۲ پایی اوج گرفت و چراغ باز کردن کمربند روشن شد. مهماندار با سبد زیبای پر از سوهان قم و گز و شکلات، کام همه را شیرین کرد. جوان همسفر که به دنبال راهی برای گپ و گفت بود پرسید؛

– شما هم مشهد تشریف می آرید؟!

–با اجازه تون !

– می بینم تنها سفر می کنید! حتما مثل من اهل مشهد هستید!!

– خیر! خانواده دوستم مشهدی هستند.

خانم زیبای مهماندار با خنده پر کرشمه برای جمع کردن زرورق گز، شکلات وآب نبات های میوه ای آمد.

باز نگاهم به طلبه جوان همسفر افتاد. چهره روشن با چشم قهوه ای و ریش یکدست و سیاه، خوش گفتگو بود. یقه قبای سورمه ای را بسته و عمامه اش را برداشته بود، اما شب کلاه نازکی بر انبوه موهای کوتاه شده شبق رنگِ خود پوشیده بود. حسابی با هم وارد گفتگو شده و ابتکار خوبی در به حرف درآوردنِ من داشت.

– آقا شما رو طلبیده!!

– آره! دعوتم کردن. مثل کسی که خیار را از سر تلخ دندان می زند با خودم گفتم این طلبه از کجا خانواده دوست من احمد آقایی را می شناسد. اما روی خودم نیاوردم گفتم شاید مثل نام خانوادگی زارعی در اردکان که زارع هم صدا می کنند، نام خانوادگی آقایی هم در مشهد فراوان باشد و آقا صدا کنند.

– کسی میاد فرودگاه جلو شما، اصلا با شهر آشنا هستی، مشهد شهر بزرگی است گم نشوی؟ و بعد تبسم زد. در بازار رضا اگر برای خرید رفتی، مواظب کاسبکارا هم باش!

– بله! آقا خودشون می آیند فرودگاه.

چهره اش به سرخی گرایید. نمی دانم تعجب کرد یا از پاسخ من تردید داشت!

–آقا؟ پس شما باید خیلی عزیز باشید و از معصومین!

با لحظه ای سکوت دوباره پرسید:

– ببخشید! عزیز همسفر اهل کجایی؟

– اردکان.

– ساکن اردکان هستید!

– خیر! ساکن اروپا هستم.

تعجب آمیخته با شوق چهره اش را در خود فرو برد.

کمی بیشتر از نیم رخ به چهره ام خیره شد؛

– چه عالی! پس امام رضا شما را از اروپا طلبیده. امام رضا از هر گوشه دنیا مهمان های خودش رو می طلبد. حتما خداوند شما را خیلی دوست داره که امام رضا شما را طلبیده...!

راستش از واژه های فنی مذهبی همسفر طلبه سر در نمی آوردم. اما روی خودم نیاوردم و با همه آن چه رخ داد تازه داشتم متوجه منظور از کلمه "آقا" می شدم. در ذهنم دنبال راه بهتری می گشتم تا لغزش گفتاری را درست کنم.

دوباره پرسید؛

– باید شما در اروپا دانشجو باشین! البته حدس می زنم.

– درست حدس زدید! دانشجوی معماری هستم. راستش معماری بناهای تاریخی مشهد، بیشتر من رو جذب دیدن این شهر بزرگ کرده. آخه می دانید می گویند مشهد از دیرباز ساختار شهرسازی اروپایی داره. البته خانواده یکی از دوستانم در اروپا، ساکن مشهد هستند. آن ها من را دعوت کرده اند.

فضولی نباشه اما نام خانوادگی دوست شما چیست، شاید فامیل از آب درآمدم؛

– آقایی یا به قول شما آقا.

خندید. و ردیف دندان های سفیدش پیدا شدند.

– پس بگو چرا می گفتی آقا خودشون می آید دنبالم! منظورتون خانواده آقایی بود؟.

خنده اش کش دار شد و من را نیز به خنده انداخت. حس کسی را داشتم که پس از سال ها هم گپ خوبی پیدا کرده است. احساس می کردم او را سال هاست می شناسم.

– گرچه هنوز معتقدم که امام شما را انتخاب کرده. شما از مهمانان ویژه زیارت آقا هستید.

شرمی آمیخته با شور در قلبم کاشته شد. این جوان جذاب من را شگفت زده می کرد. نمی دانم چرا این حس قلبی ناخواسته درونم را می کاوید.

با زمزمه ملایم زیبا و خوش آهنگ این همسفر شوقی دلنشین وجودم را فرا گرفت، وقتی که با صدای خش دار می خواند:

"آمدم ای شاه پناهم بده،
خط امانی زگناهم بده،
ای حرمت ملجا درماندگان،
دور مران از در و راهم بده. "...

تو می روی مثل دیگرقرن ها، در ازدحام مبهم

محمد لطفی

سؤال های بی جواب و سوت ممتد قطار زمان، دور از نگاه مخملی خیلی ها که نیستند بین ما تا در ایستگاه آخر صد سالگی ات را بدرقه کنند، درمیان حرمت آواز دوره گردها و فالگیرها که همیشه زیباتر از شغلشان به چشم می آیند، آه سردی بکشند بر فنجان داغ تلخ کامی ها و در انبوه حجم نگاه و صدا و سئوال، با اسطرلاب حیرانی صد سال را رصد کنند، رصد کنند که چگونه می شود رؤیا ها را در بیداری دنبال کرد، چگونه می شود آغازگر قرن دیگر گونه ای باشیم، چگونه عقب ماندگی ها در بندری که روزگاری با بیش از صد عمارت، پایتخت اولین ها از کشتی سازی گرفته تا راه آهن بین شهری، فرودگاه و تلگراف و کهن ترین کتابخانه عیلامی اولین نشریه ها و مدرسه به سبک نوین در جنوب ایران هنوز برای ابتدائی ترین نیازها در رنج است، آیا وقت آن نیست که طرحی نو درانداخت، و چشم انداز بوشهر در قرن جدید را جدی گرفت، این بندر هم می توانست بندری باشد با خانه ها و کوچه های معمولی مثل دیگر جاها بی ذوق و اندیشه و هنر، اما این جا بوشهر سرشار از ذوق، سرشار از هنر و اندیشه ست، زیرا همه این جا صاحب دلند، در و دیوار و استراحتگاه دریانوردان ستیزنده با طوفان و بمبک باید او را به اندیشه فرابخواند، دریا چیست؟ ماه چه کاره ست؟ لهیمر از شانه های کدام ستاره می آید؟ اگر هم پاسخی نیافت، خیام بخواند، فایز راه بیندازد، یزله بگیرد برای رم دادن (بوسلامه) و بمبک، بوشهر یعنی سمفونی بی مثال رنگ و نور باد یعنی معماری جادوئی درون گرا و برون گرا که هر رهگذری را با سحر انگیزی خود با جادوی جاودان مغناطیسی اش به تماشای راز غریب خود فرا می خواند به تماشا، به تفکر به شنیدن موسیقی و هارمونی لذت بخش زیبا شناسی بی بدیلی از انسان و طبیعت بر دل بندری با مردمانی صاحب اندیشه و خرد، سترگ مبارزانی پهلوان در حماسه های جاودان، زندگی در دیار ما ضرب می شود، ضرب در تاریخ و حماسه و صبر، صبری به بزرگی بیش از پنج هزار سال، این قوم برای ابتدایی ترین نیازش همیشه با طبیعت خشمگین در ستیز بوده، شاید سال ها که جان خویش را بردارد و به دریا بزند و با لهیمر و موج پنجه در هم افکند این همه را در رویای شبانه و دنیای معنوی خود دیده است، این شبه جزیره کوچک که چون نهنگی به گل نشسته می ماند انگار بعد از خشکیدن دریاهای ماقبل تاریخ همواره کوشیده تا به دریا برسد و در دریا شناور بماند تا ازمرگ برهد، ما باز مانده نسلی هستیم که قرن در حال سپری را چونان گذشتن قطاری که به سرعت دردل غبار ناپدید می شود شاهدیم، تاریخ صد سال گذشته مثل فلاش بک نمایشی تراژدی ازمدار چشمهایم می گذرد، مثل فیلمی با، دورخیلی تند و من چهره ها ی تأثیر گذاری را پشت شیشه های قطار می بینم که در انبوه دست تکان دادن ها به سرعت دور می شوند، و آینده این مرز و بوم را به دستهای ما می سپارند، درهمهمه اگرها و آ ن گاه ها و پرسش هایی به قامت یک قرن، در انهدام سکوت و زمان و مکان با خود می اندیشم آن ها که رفتند سیاوشانی بودند که پای در تش نهادند تا اندیشه و خرد تا دانایی بماند سایه سار آن ها که ماییم و آن ها که می آیند یا خواهند آمد، باید جاری شد در رگان کوچه های این شهر بگذار بوی اندیشه ودانایی مثل بوی عطر گل ابریشم مثل کندرو عودهای معطر از دهان پنجره های چوبی و معبد دلت، تمام اتمسفر این شهر را پر کند، این جا سرزمین مبارزه است، سرزمین زخم خورده، سرزمین افسانه ها و آیین ها، سرزمین فرهنگ و تمدنی که از فراز شانه های آفتاب می آید، این جا بوشهر است، سرزمین حماسه های جاودان سرزمین پرسشها در فاصله دو نقطه گذشته و آینده، ققنوس وار برخیز از خاکستر خویش، بال بگشا آبی دریای پارس، این آبراه که معطر از خون شهیدان است، از تاریخ و شکوه آن فردا را ترانه ای باش، آوازی که ازعشق پر است و در آسمان بوشهر پرواز ده، آینده را باران باش، ببار، برویان، سبزکن، لبخند نشسته بر لبانت نشانه بهاردر راه است، بهاری جاودان که رنگ پاییز نخواهد شناخت، بگذار آن ها که فردا قرن آینده را بدرقه خواهند کرد با افتخار نامت را ترانه شوند و دست ها برای تو سینه هوا را بشکافند و صدای ترنم باران بگیرند از شکوه سرمدی نامت، چنین باد...

(بوسلامه): افسانه ای دریایی

انتشار کتاب "متمم رهنامه کشتیرانی خلیج فارس" در دشتی

رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی دشتی استان بوشهر گفت: کتاب «متمم رهنامه کشتیرانی خلیج فارس» تالیف "لیوتنانت ای. دابلیو. استیف" با ترجمه حبیب احمدی و غلامرضا زائری در این شهرستان چاپ و منتشر شد.

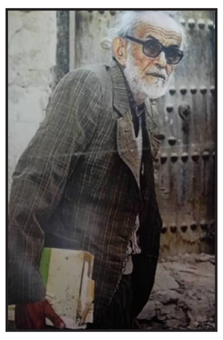
حمید زارعی در گفت و گو با ایرنا افزود: این کتاب شامل پنج بخش توضیحات کلی درباره مسیرها و دریانوردی در سواحل، از کراچی به جزیره چرنا، از جزیره چرنا تا راس گوادر و از کرانه خلیج گواتر تا راس الکو است.

زارعی افزود: این کتاب و در ۱۳۹ صفحه و تیراژ یک هزار نسخه با قیمت ۳۵ هزار تومان توسط انتشارات زرنوشت تهران چاپ شده است.

خاطرات شادروان عبدالرسول جمالی تنگستانی (۱۳)

ذکر خیر مهندس زند فرماندار بوشهر

به کوشش محمد علی بختیاری



تا سنه ۴۲ که باز مهندس زند آمد فرمانداری و خیابان ششم بهمن کشیدیم. که بعد تو همین خیابان سر یک دکان سر نبشی به اصطلاح ستاد ششم بهمن تشکیل دادند که اسم خیابان نهادند ششم بهمن. ششم بهمن (انقلاب سفید) یک برنامه ای پیاده کردند سپاه دانش، سپاه بهداشت، سپاه ترویج سپاه مسکن. اینها را تشکیل دادند سپاه بهداشت خیلی کارها انجام می دادند. تمام در روستاها کلاس نهاده بودند و دندانپزشک می رفت بازدید از آنجا.

جهانمیر هم خیلی آب انبار ساخت تو روستاها. جهانمیر یک مهندسی بود که بیمارستان ۲۵ شهریور ساخت. این بیمارستان ۲۵ شهریور که ساختند سازمان امنیت تازه آمده بود تو بوشهر، آقای قهرمانی داماد آقای عباس بود. بوشهری بود. سرگردی هم بود. یک نجاری هست استاد حبیب شیرازی، این خیلی خراط ماهری است، یک دکوری ساخته بود برای شرطی تو بازار قنادی. گفت کی برات ساخته؟ گفت استاد حبیب شیرازی. گفت ما می خواهیم دکورهای بیمارستان ۲۵ شهریور هم او بسازد. از طریق سازمان امنیت می فرستند استاد حبیب با ۱۱ کارگر بیاید درست کنه. زنش هم صدیقه است. این آقا می آورندش میگویند آقا تو این دکورها را برای ما درست بکن. میگوید چشم. تمام دکورهای بیمارستان ۲۵ شهریور (فاطمه زهرا) را درست میکند. یک خراطی هست که نمونه اش اصلا نیست.

نجارهای شهر اینها بودند. آقای عبدالله ندیمی بوده پدر استاندار عبدالرحمان ندیمی. اینها نجارهای مهم بوشهر بودند که اینها دکان هایشان تو مسیر کوچه چوبک بود. کوچه چوبک کجا بود؟ کوچه چوبک کوچه پهنی بود، این تمامش نجاری بود.

به هر حال مهندس زند آدم روشنفکری بود و توانست آب بیاورد. یک وقتی به حسن بختیاری گفت تو چند تا بچه داری؟ حسن بختیاری راننده شهرداری بود. خانه ای داشت اینجا جنب مسجد شیخ سعدون حالا بازنشسته شده. میگوید آقا خیلی حسابش دیگه یادم رفته. میگوید فردا بیاورشان اندربندر با ماشین تا من بهشان خرما بدهم.

مهندس زند ۲۰ تا بل خرمایی می خرد و می آورد آنجا که بین کارگرها تقسیم کند. می بینه که از همین جا تا آنجا بچه های بختیاری است. میگوید بچه های تو کجا هستند؟ میگوید از این دختره بگیر تا آن پسره مال منه. میگوید اسمهایشان بگو. میگوید اسمهایشان یادم رفته از بس که سر در گم هستم که چندتان، ۱۸ تا. هر کی یک بل خرما میدهد بهشان. میگوید خرمایی دیگر نماند همش تو بردی. بقیه اش هم قسمت می کند میدهد برای بقیه کارگرها.

مهندس زند یاد و خاطره اش همیشه تو بوشهر هست. مردم بوشهر دوستش داشتند. یک وقتی از عالی چنگی با هم آمدیم دیدیم یک جیپی ایستاده یک الاغ داری هم تو بیابان ایستاده. جیپ تو این سبخ ها دور زد رفت طرفش تا یک افسری با یک سربازی آنجا هستند. مهندس زند به آنها گفت: اینجا چکار می کنید؟ افسر گفت: به شما چه مربوط است من چیکار می کنم ؟ نمی فهمید فرماندار است. یه چیزی روی سینه اش بود. مهندس گفت: تو افسر ژاندارمری هستی هان؟ سرهنگتم فلانیه؟ تا ۲۴ ساعت دیگر بیشتر تو بوشهر نیستی. آمدی مردم غارت بکنی؟

افسر گفت: آقا چرا توهین می کنی به شما چه؟ گفت آقا جیپت بگذار یا جیپت بده بیار سرباز خودتم بنشین تو ماشین من. بردش هنگ ژاندارمری منطقه جنب سرهنگ . گفت بار این پیرمرد چه بود که برداشتی؟ یک طاقه پارچه بود چهارتا جعبه شکلات بود یک مقدار تنباکو از پیرمرد گرفته با یک مقدار چای. کار درستی کرده؟ گفت نه. فوری حکمش نوشتند.

یه مرتبه دیگر هم اسماعیل شکری راننده شهرداری بود با اسماعیل تنباکویی اینها یک کامیون سیگار شب خالی کرده بودند. جای فلکه انقلاب یک طاقی بود که بغلش هم نانوایی بود و جای همین فلکه انقلاب هم مسافرخانه آقای گشمردی بود. جلوش هم باز دکان اتوکشی و این چیزها بود. با هم دیگر آمدیم دیدیم سرهنگ مرزبان که رئیس گارد بود با سربازهای گارد آنجا ایستاده است. گفت آقای سرهنگ اینجا چکار می کنی؟ گفت: والله چه بگویم. یک کامیون سیگار دیشب آوردند اینجا مخفی کرده اند. سرباز آوردم که اینها را تخلیه کنند. گفت آقا تو حق نداری در حوزه من دخالت کنی. برو آنجایی که پول گرفتند این سیگارها آزاد کردند حساب آنها برس. تو دیگر حق نداری در شهر دخالت کنی. جنس رسیده به شهر و مال بازاره. تو در حوزه من نمی توانی دخالت کنی . فرماندار منم فرمان شهر من باید بدهم و تو هم باید اطاعت کنی.



صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰-۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱

هفته نامه نسیم جنوب، دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر

موج سواری کرونا با جامعه ایران؛ مگر کرونا خودش برود

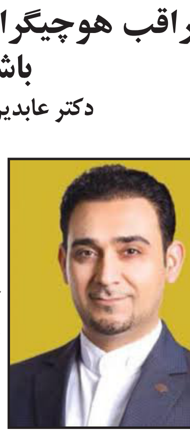
دکتر سجاد بهزادی



این یادداشت نافی تلاش های دولت در مسیر تولید واکسن کرونا نیست و بدون شک موفقیت آمیز بودن تولید آن با اعتماد جامعه به هم گره خورده است و اگر در نهایت کارآمدی تولید وتزریق واکسن های ایرانی موثر واقع شود از نگاه نویسنده یک انقلابی است در دل ناکارآمدی دیگر ساختارها؛ و باید به جامعه پزشکی و تحقیق کشور دست مریزاد گفت.
اما آن چه از نظر علمی آشکار است این که؛ در تمام دنیا دولت ها و ملت ها در کنترل وریشه کنی؛ گسترش و مرگ و میر حاصل از ویروس کرونا؛ هر دو عامل هستند. عامل بودن ملت ها به فرهنگ و رفتار آن ها در مقابله با این ویروس و عامل بودن دولت ها به برنامه ریزی، تقویت امکانات و در نهایت به تهیه و تولید واکسن کرونا ختم می شود. در این مورد خاص؛ اساسا هیچ کدام (دولت-ملت) بدون دیگری نمی توانند مدعی حل مشکل و یا به تنهایی برای حادتر شدن مشکل زیر سئوال باشند.
معاون کل وزارت بهداشت اخیرا در مصاحبه ای گفته بود "زورمان نمی‌رسد جلوی برخی عروسی‌ها را بگیریم، داماد را بازداشت کردیم. در برخی استان‌ها مراسم عزاداری هزار نفری برگزار می‌شود. نمی‌دانیم صاحب عزا را دستگیر کنیم یا نه! مردم باید خودشان رعایت کنند."
این چالش فرهنگ جامعه ای است که می خواهد به جنگ با کرونا برود. در حقیقت مسئولیت اجتماعی در جامعه ما همچنان تا نهادینه شدن فاصله زیادی دارد.
از سویی دولت نیز تا کنون عملکرد پرحاشیه ای در مقابله با این ویروس در مقایسه با دیگر کشورها داشته است. در حالی که بیشتر کشورها با برنامه ریزی دولت ها، مسیر واکسینه نمودن جامعه خود را به روشنی و با پیشرفت نسبی طی می کنند؛ در ایران آن گونه که روزنامه شرق گزارش داده است "فاجعه واکسیناسیون" شاهد هستیم. بر اساس گزارش این روزنامه به نقل از سازمان نظام پزشکی کشور در حالی که بسیاری از کشورها جمعیت قابل توجهی از جامعه خود را واکسینه نمودند در ایران تا کنون "تنها ۱۶۱ هزار دوز واکسن کرونا تزریق شده است". در حقیقت دولت ها نیز در جامعه ما تا رسیدن به نقطه مطلوب در کارکرد ساختارهای خود فاصله زیادی دارند.
این مشتی است نمونه خروار از رویکرد دولت – ملت در ایران کنونی در مواجه با اپیدمی کرونا؛ با این حساب چشم انداز آتی بیشتر بحران ها در ایران روشن است. باید از عجایب روزگار باشد که نتیجه هر بحرانی از جمله بحران جهانی کرونا در کشور ما روند طبیعی آن طی شود. انتظاری که ما باید از بحران کرونا در کشور داشته باشیم دقیقا همین است که اکنون دیده می شود. موج سواری کرونا در جامعه ایران همچنان ادامه دارد و کشور وارد پیک چهارم شده است. بالاترین مرگ و میر در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر و آینده ای مبهم در جهت ریشه کن نمودن واقعی بحران.
مثلا اگر خدای ناکرده فردای امروز زلزله مهیبی در هر گوشه ای از کشور بیاید شما نمی توانید از مرگ و میر انسان ها و خسارت های بر جای مانده انتظاری داشته باشید که مثلا در ژاپن دیده می شود. انتظارات ما در برابر بلاها و بیماری ها و بحران ها باید به همان میزان باشد که عملکرد ما در آن وضعیت نشان می دهد.
پال هریسون نویسنده کتاب اندرون جهان سوم اعتقاد دارد " زندگی یک انسان تنگدست در جهان سوم خطرناک است و خطرات بهداشتی متعدد در الگوی زندگی آنها وارد می شود که مهار مرگ را برای آن ها سخت تر می کند."ما در ایران اکنون گرفتار همین وضعیت هستیم. مهار مرگ در جامعه ایران به خاطر اپیدمی کرونا بسیار سخت تر از بسیاری از کشورهای دیگر است. اساسا الگوی بیماری در جهان سوم کاملا با غرب تفاوت دارد؛ همین طور که الگوی کیفیت زندگی و رفاه ما نیز فرق دارد. ما خیلی زود بلاگیر می شویم و دوره بیماری ما طولانی تر خواهد بود.
شما در جهان سوم با جامعه ای روبرو هستید که افراد در حالی که می دانند تست کرونای آنها مثبت بوده است بار سفر را می بندند و به مسافرت می روند. حالا اگر با تست مثبت کرونا ناچار بودند برای لقمه ای نان و نیازمندی های ضروری زندگی و کار از قرنطینه بیرون بروند ملامتی نیست؛ اما سخنگوی ستاد کرونا اعلام کرده است "متاسفانه در ایام نوروز بیش از ۱۵ هزار نفر با وجود تست مثبت کرونا به مسافرت رفته‌اند. این افراد علی رغم آن که می‌دانستند بیمار هستند به مسافرت رفتند و قطعا بیماری را به سراسر کشور منتشر کردند. این افراد را شناسایی کردیم و کد ملی آن ها را داریم و این اقدام آن ها پایمال کردن حقوق دیگران است."
شما در جهان سوم با دولتی روبرو هستید که با ارمغان فقر و تورمی که دارد، سلامت جامعه را به تاخیر می اندازد. فرد بیمار به غذای سالم تر، با کیفیت تر و روحیه بهتری نیاز دارد، در حالی که غذای با کیفیت و ارزان در جهان سوم به دلیل تورم بالا در دسترس عموم قرار ندارد و سطح شادی و خوشبختی جامعه مطلوب نیست. لذا اپیدمی کرونا در جامعه فقر زده ای که مردمش احساس خوشبختی نمی کنند بیشتر می ماند و گاهی ابدی می شود.
نهاد توسعه پایدار سازمان ملل در گزارش تازه خود رده‌بندی خوشبخت‌ترین کشورهای جهان را در سال ۲۰۲۱ منتشر کرده است. ایران در این لیست پایین‌تر از مالی، نیجریه و موزامبیک رتبه ۱۱۸ را از میان ۱۴۹ کشور به خود اختصاص داده است.
پال هریسون در بخش دیگری از کتاب خود در مورد جامعه جهان سوم می نویسد "بیماری حاد درآمد را نزول می دهد و نان آور خانه را به بستر می اندازد و آنها تامین اجتماعی و دولتی هم ندارند که بتوانند بر آن تکیه کنند."
خدا کند کرونا خودش برود و گرنه اگر قصدش به ماندن باشد بسیاری از فقرزده های جهان سوم یا خواهند مرد یا به این زودی ها روی آرامش را نخواهند دید. البته این اتفاق از نگاه نظریه «داروینیسم اجتماعی» یک حسن بزرگی هم دارد. بر اساس این نظریه مرگ فقرا و سالخوردگان در یک جامعه توسعه نیافته سبب می شود تنها شایسته ترین ها باقی بمانند و اگر می خواهیم بین افراد بشر در این جامعه و میزان تولیدات غذایی تعادل رخ می‌دهد باید از مرگ افراد ناتوان و سال خورده استقبال کرد. تا دیروز فکر می کردیم در سایه علم و فن آوری و جهان سرمایه داری، این نظریه سالها شکست خورده محسوب می شود. اما آمارها در مورد ویروس کرونا در کشورهای توسعه نیافته، نشانه هایی از زنده بودن آن را آشکار کرده است؛ مگر این که خدا کند کرونا خودش برود.

مراقب هوچیگران و غوغاسالاران باشیم!

دکتر عابدین عابدی‌زاده



در جامعه‌ای که خرد مبنای امور آن جامعه نباشد هوچیگری و غوغاسالاری چنان خر خود را می‌راند که هیچ خردمندی چنان نرانده و نخواهد راند، آن وقت ما از شأنیت ایرانی سخن می‌گوییم و در پی رابطه‌ی آن با صف طولانی مرغ و روغن هستیم!
انتخابات ریاست‌جمهوری و شورا نزدیک است! مراقب آنهایی که گلوی خود را پاره می‌کنند باشیم! مراقب القابی چون آقای دکتر؛ خانم دکتر باشیم! این‌ها مدارکی بیش نیستند که با اندکی تلاش و گاهی با اندکی تقلب اخذ می‌شود!(البته هستند اندک افرادی که با جان و دل ره خردمندی پیموده‌اند).
مراقب دروغ و راست باشیم، مراقب تخصص و تشخص باشیم، مراقب تعهد و اخلاق باشیم! مراقب هزینه کردن از نام ها و نان ها باشیم! مراقب دوستان و دشمنان آمریکا و انگلیس باشیم! مراقب شعر و شاعر و مشاعره و شعار باشیم؛ مراقب راه و آرمان و اصغر و اکبر باشیم.
خردمندان! شما نیز در گوشه‌ای بنشینید و در خلوت برای خود بنویسید تا به وقت کوتاه شدن صف مرغ و روغن، شما را صدا بزنیم! یعنی این را درک نکرده‌اید که زندگی یعنی در صف ماندن! ای داد و بیداد؛ شما چگونه خردورزی؟ که از صف غافلی!
راستی مراقب روباه و خروس نیز باشیم؛ جورج الیوت در جایی گفته: «انتخابات که در راه است ناگهان صلح جهانی اعلام می شود! و روباه ها وعده میدهند که عمر مرغ و خروس ها را طولانی می کنند!» روی سخن جرج الیوت به مکاری روباه است و طنز تلخ تاریخ اینکه خود الیوت برای ایستادن در مقابل جبر زمانه مجبور به پوشیدن لباس روباه شد و خود زنانه اش را در سیما و قامت مردی بنام جرج الیوت به مردم ابراز می کرد.
براستی هوچیگران و غوغاسالاران؛ خر خود را چه خوب می‌رانند، آن هم در زمینی که پر از سنگلاخ است! مراقب خر آن ها باشیم که از روی جان ارزان ما نگذرند و با ما دوستی کنند!
حضرت علی (ع) از پیامبر نقل می کند که فرمود: سرآغاز عقل و خردمندی بعد از ایمان به خدا اظهار محبّت به مردم و دوستی با آنان است! ما مردم چنین دوستی خردمندانه‌ای از شما می‌خواهیم؛ هرچند ما نیز با خود و دیگری دوست و راست نیستیم!
پی‌نوشت: فرهنگ معین: هوچیگری، تلاش برای شکست رقیب از راه سفسطه، تهدید به افشاگری، تهییج و تحریک شنوندگان و جلوگیری از مطرح شدن یا اثر گذاشتن سخنان رقیب.

مراقب آینده کودکان باشیم

دکتر سعید معدنی



بیش از یکسال است که تدریس در آموزش و پرورش و سایر مراکز آموزشی عمدتاً به شکل آنلاین برگزار می‌شود.
در این ارتباطات آنلاینی، اتفاقاتی برای دانش آموزان و معلمان رخ داده که دستمایه طنز، خنده و تمسخر شده و به شکل وسیعی در سطح فضای مجازی پخش شده و می‌شود. البته معلمان از مردم خواهش کردند که ما اکثراً تازه وارد و آماتور در استفاده از شبکه‌های اجتماعی هستیم، لطفا ما را درک کنید و اشتباهات و به اصطلاح "سوتی" های مارا پخش نکنید.
برای دانش آموزان نیز در هنگام پاسخگویی به درس‌ها و یا ارائه مطالب، خواندن متون و اشعار و... اشتباهات و سوتی‌هایی اتفاق می‌افتد که متاسفانه توسط اطرافیان دانش آموز و یا معلمان به اشتراک عموم گذاشته و موجب خنده و تمسخر عالم و آدم می‌شوند. این فیلم‌ها و ویدئوها هم برای امروز و هم برای آینده کودک که به عرصه اجتماع پای می‌نهد، آزار دهنده و شکننده خواهند بود. به عبارتی شاید خنده کوتاه امروز ما، آینده کودکی را نابود کند؛ چون این تصاویر در حافظه دنیای مجازی برای همیشه به یادگار خواهند ماند.
این اتفاق ممکن است برای دانش آموز امروز ما در بزرگسالی، در آینده ای که می خواهد مسئولیت و شغل انتخاب کند، و یا دوستانی پیدا کند و پذیرش اجتماعی داشته باشد و حتی ازدواج کند، خجالت



آور و آزار دهنده باشند.
این نگرانی وجود دارد که سرنوشت آینده کودکان ما با این هجم از تصاویر زشت و زننده در فضای مجازی، چه می شود؟
برای نمونه: "دخترک معصوم و محجوبی که روسری‌اش را محکم بسته و در حال پاسخگویی به درس است، برادر یکی-دو ساله‌اش شلوار به دست، پشت به دوربین از گوشه تصویر نمایان می شود و دانش آموز در نزد معلم‌اش که آن طرف تماس نشسته، از خجالت سرخ می‌شود." به باور من والدین یا معلم و یا هر کسی که این ویدئو را در سطح وسیع پخش کرده شخصیت کودک را تحقیر و آینده او را به بازی گرفته است.
و یا "پسر دانش آموزی که در حین درس و موقع نشستن، شلوارش پاره می شود!" و ما برای لحظه‌ای خندیدن، تصویر را در دنیای وسیع، بی‌رحم و بی‌در و پیکر فضای مجازی پخش می‌کنیم.
و یا "کودکی شعری را اشتباه می خواند و دستمایه ای برای طنز و تمسخر می شود."
و...
از این نوع فیلم‌ها، و برخی دیالوگ های کلامی، شاید تصور شود نوعی فان بوده و لبخندی بر روی لبان شاهدان و شنوندگان بیاورد، اما ما با این کار زندگی و آینده کودکان را تهدید می‌کنیم. لذا پیشنهاد می‌شود:
۱- این نوع ویدیوها را پخش نکنیم؛
۲- از اشتراک گذاری مجدد آن خودداری کنیم؛
۳- تا آن جا که امکان دارد، این نوع تصاویر و "سوتی"ها را از گوشی‌ها و شبکه‌های اجتماعی پاک کنیم؛ آسیب رساندن به شخصیت افراد نوعی ترور شخصیت است و خود جرم محسوب می شود. کودکان می‌توانند به محض رسیدن به سن قانونی از افرادی که این تصاویر را پخش کرده اند شکایت کنند، حتی اگر پخش کنندگان والدین‌شان و یا اعضای خانواده باشند.
اخیرا کودکی در آمریکا که به سن قانونی رسیده و از والدین خود شکایت کرده که در دوران کودکی تصاویری از او در فضای مجازی به اشتراک گذاشته اند که امروز برای او خوشایند نبوده و دستمایه تمسخر و عامل تحقیر دوستان و همکلاسی هایش شده است.
اگر دقت کرده باشید در کشورهای توسعه یافته اروپایی که به حقوق کودکان حساس هستند، تصاویر و ویدئوهایی که ظن بی احترامی به کودک و نوجوان می‌رود، چهره افراد را تیره می‌کنند تا شناسایی نشوند زیرا که پیامدهای حقوقی دارد.
تاثیرات و لطمات فضای بی‌رحم دنیای مجازی، هنوز برای بسیاری از مردم و خانواده‌ها، ناشناخته است. تامل و دقت کنیم و مراقب آینده کودکان‌مان باشیم.

۱۴۰۰ را به فال نیک بگیریم

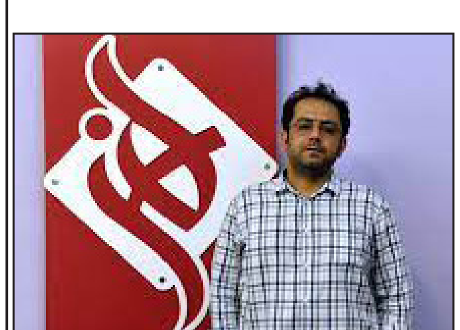
بهزاد هراتی



آغاز فصل بهار امسال نویدِ سالی متفاوَت را فرای رنگ بندی های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و بیش از هر رویدادی، عدد و رقمی از نخستین سال از یک قرن را به نمایش می گذارد که آبستن وقایع گوناگون است و برای هرکس حس و حالی متفاوت ایجاد می کند. نخستین سالی که در ابعاد شمسی در هیچ دورانی از نسل های گذشته تا به امروز نوشته، خوانده و بیان نشده است. سالی که از نظر شکلی برایمان جدید و نورش در چشمانمان متفاوت است. سالی که بیان کردنش از نظر وزنِ کلامی، خوش فرم و دارای یک شکوه عددی اَست.
سالی که یک خط فرضی را در ذهن متولدین هزار و چهارصد به بعد نسبت به نسل های پیش از خود شکل خواهد داد که برای نسل امروز به بعد؛ خیلی دور ، خیلی نزدیک خواهد بود.
خیلی دور؛ از این منظر که متولدین این سال به بعد؛ از نگاه شناسنامه ای، خود را با متولدین سال های پیش از خود که متعلق به سده ی قبل، از نظر زمانی و تاریخی هستند مقایسه می کنند و از ذهن گذراندنِ دو سده در زندگی یک شخص می تواند یکِ بزرگنمایی سنی را تداعی کند.
خیلی نزدیک؛ از این منظر که سن شناسنامه ای خود را با سن و سال نه چند دور افراد پیرامون خود در قرن اخیر مقایسه می کنند و یک حس نزدیک بودن را برایشان به ارمغان می آورد.
سالی که ادعای زیستن در دو قرن را برای هم نسل های ما تا به امروز به رُخ می کشد.
یکهزار و چهارصد؛ سالی که می تواند مادرِ سال های پیش رو از یک تا نود و نه سال باشد. سالی که سرآغاز ورود چندین نسل در آلبوم صدساله ی پیش رو خواهد بود و رویدادهای بسیاری را که اکنون در وهم و خیالمان هم نمی گنجد به منصه ی ظهور خواهد رساند و جای پایش فرای قضاوت کردن ها تا همیشه و با وجود گرد و غبارهای زمانه در صفحه ی زمان ثبت خواهد شد و در یادها خواهد ماند.
در این میان و در نخستین روزهای ورودمان به سال نو در کنار همزیستی همراه با فراز و فرودهای روزمره ی زندگی، می توان این عدد چهار رقمی را که برای سال های پیش رو در جایگاه یک پیشوند ویژه خواهد بود؛ به فال نیک گرفته و امید داشت که روزگار، بیش از پیش روی خوش و درخشانش را به همگان نشان دهد.

گاهی برد فاجعه بار است

احسان عبدی پور



ما فقط در خلوت های بسیارمان یاد را در سلول های آخری مخمان نگه داشته بودیم
ما ناگهان مثل جذاب ترین مردهای سینما شدیم
که یک عشق در جوانی شان جا مانده
که باقی درام را برای صد الی صدوبیست دقیقه شکل بدهد.
آن جا با شکوه ترین مرداها و جوان اول های سینما و ادبیات نشسته بودند که ما رسیدیم، همه‌ی قهرمان‌ها آن جا بودن
ما یک حالتی شدیم مافوق حالت های رایج‌مان
ما صاحب نگاه
اعماق نگاه
صاحب جذبه‌ی صدا و گردش سر و دست گردن شدیم.
بی آن که که بفهمیم چرا؟!
گاهی برد فاجعه بار است.
رسیدن آغاز تنزل می شود
ما نرسیده بودیم
و هنوز آتش نرسیدن در چشمهایمان گرمی داشت.
در حالی که در تمام طول آن شب ها و آن روز ها
در ته مخ و بصل النخاع ما
خاطره کهنه ای از گذشته وجود داشت که شب ها
چراغ که خاموش می شد
توی اتاقمان قدم می زد
ما در کوچه های پاییز قدم می زدیم
و مستانه نگاه می کردیم به ستاره های آسمان
در حالی که آنهایی که رسیده بودند خوابیده بودند و خر و پوفشان در سلول ماژور تمام شهر را برداشته بود
آدم دیر راز های جهان را می فهمد
ادم کلا دیر می فهمد
آدم نبردهای بزرگی می کند برای فتح هیچ فتح باد
عشق کلا یک چیز دیگری است ...
(اپیزود کبریت)

تصویری از دانش آموزان سال تحصیلی ٦٥-٦٤ دبیرستان فاطمه زهرا بوشهر کلاس چهارم ریاضی به همراه نصرالله اسدی دبیر ریاضی مربوطه

از راست به چپ: شیدا شش بلوکی، محترم چشم آلوس، زهرا پورعلی رضا، فرشته مظفری، مژگان ریاحی، دبیر: نصرالله اسدی، شراره خواجه بیان، مرجان زحمتکشان، شوکت کشاورزی، فاطمه مهیمنی، فاطمه نیکوهمت



مرشد شاهین هم در پایان سال ۹۹ آسمانی شد!



رضا سیاهوش: پس از زنده یادان پوربهی و کللی امروز باز عزیزی از شاهینی ها به خاک سپرده شد تا سال ۹۹ برایشان با تلخی هرچه تمامتر پایان یابد.
ابراهیم مرشدی، مهاجم با اخلاق، متین و دوست داشتنی سال های دور شاهین که به علت ایست قلبی دارفانی را وداع گفت، امروز توسط مردم شریف محله خواجه ها و تعدادی از پیشکسوتان شاهین تشییع و برای همیشه در خانه ابدی جای گرفت.
در مراسم بدرقه زنده یاد مرشدی، همبازیان وی در شاهین حضور داشتند و در کوچ و سوگ یار دیروز و رفیق چندین ساله خود اشک ریختند.
پیشکسوتانی همچون؛ جلال غریب زاده، پرویز همتی عبدالمحمد وفایی، عبدالله زارعی، رضا ماهینی، ایرج روشن، بهادر مصری، محسن خواجه ئیان، منصور کاوئیان، پرویز تامینی، عبدالرضا مکاری پور و علی نیک ذات در این مراسم حضور داشتند و بر سر مزار زنده یاد پوربهی هم حاضر شدند تا یاد آن عزیز سفر کرده و بزرگ باشگاه شاهین را گرامی بدارند.
با عرض تسلیت خدمت خانواده محترم مرشدی و دیگر بستگان، برای آنان و این پیشکسوتان عزیز آرزوی طول عمر باعزت داریم.

